

فضا و شهری، زمینه ساز عدالت اجتماعی

بررسی موانع و عوامل مشارکت زنان در فضاهای عمومی

راضیه رضازاده / دکتری طراحی شهری / استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران

rezazadeh@iust.ac.ir



حضور زنان در فضای شهری، حق مسلم آنان است. با در نظر گرفتن حقوق شهروندی کثرت‌گرا در جامعه مدنی امروز و رویکرد عدالت‌محور در برنامه‌ریزی و طراحی شهری، زنان نیز همانند مردان باید از شرایط برابر برای حضور در فضای شهری برخوردار باشند. زنان در جامعه امروز ایران وارد عرصه‌های مختلف علمی، فنی، سیاسی و ... شده و حضور خود را در تمام عرصه‌ها به اثبات رسانده‌اند. بنابراین حضور زنان در شهر و فضای شهری در جامعه امروز ایران امری اجتناب‌ناپذیر است. علی‌رغم اهمیت و ضرورت حضور آنها در فضای شهری، عوامل متعددی بر کاهش حضور زنان در فضای شهری تأثیرگذار است، مانند طراحی نامناسب فضا که عمدتاً توسط مردان و برای پاسخگویی به نیازهای آنها طراحی می‌شود و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی حاکم بر رفتار زنان در محیط که بر کاهش حضور زنان در فضاهای شهری مؤثر است.

واژگان کلیدی: فضاهای شهری، زنان، رویکرد جنسیتی، حساسیت جنسیتی.

رویکرد عدالت فضایی به فضای عمومی شهر

فضاهای عمومی، مکانی برای رفع نیازهای روزمره زندگی عمومی در شهرها هستند. این فضاها در طول زمان و براساس شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تغییر می‌کنند (Pasaogullari, N. & Doratti, 2004: 225). فضاهای عمومی شهری، فضایی برای انجام فعالیت‌های اجباری، اختیاری و مهم‌تر از همه فعالیت‌های اجتماعی هستند (Gehl, 1978). امروزه نقش و اهمیت فضاهای عمومی شهری با تأکید بر طراحی فارغ از محدودیت‌های جنسیتی، سنی و توانایی استفاده‌کننده به عنوان مکانی مطلوب برای تمام گروه‌های اجتماعی، به خوبی احساس می‌شود (Garcia-Roman, 2004). همچنین رویکرد اولیه در توسعه فضاهای باز عمومی، ایجاد محیطی است که به وسیله گروه‌های جنسی و سنی گوناگون مورد استفاده قرار گیرد. چرا که این قابلیت، معیار و شاخصی برای موفقیت چنین فضایی است، به عبارتی همه حق دارند از بودن در فضا لذت ببرند.

علی‌رغم اینکه رویکرد جنسیتی به فضاهای شهری و عدم توجه به نیازهای زنان در برنامه‌ریزی فضاهای شهری به اثبات رسیده است، بعضی از نویسندگان اعتقاد دارند فضاهای عمومی در شهرها آزادی بیشتری برای زنان نسبت به مردان و هنجارهای طبقه متوسط

در یک جامعه مدرن فراهم می‌آورد؛ در حالی که دسته‌های دیگر معتقدند این مکان‌ها هم غیرقابل دسترس و هم خطرناک هستند (Garcia-Roman, 2004). براساس تعاریف، فضای شهری باید امکان دسترسی همه گروه‌ها را فراهم آورده و عرصه‌ای برای حضور تمام استفاده‌کنندگان و محملی برای بروز انواع فعالیت‌ها باشد. اما رویکرد جنسیتی در طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای شهری مبتنی بر نیازهای مردان به ایجاد فضاهای مردانه منجر شد. به لحاظ تاریخی، معماری و برنامه‌ریزی شهری، فعالیت مردانه تلقی شده که خود فضاهای شهری را به فضاهایی جنسیتی نیز تبدیل کرده است. گویی علق و نیازهای مردان، جهانی و دربرگیرنده هر دو جنس است. به طوری که تا سال ۱۹۷۰، برنامه‌ریزی شهری، دچار نوعی «کوری جنسیتی» بوده است (Hexly, 2002). برای توضیح چگونگی به وجود آمدن فضاهای عمومی جنسیتی و مشخص کردن عملکردهایی که به عدم مشمولیت زنان در فعالیت عمومی منجر می‌شوند، از ایده جغرافی دانان فمینیست استفاده می‌شود. منشأ این رویدادها به دهه ۱۹۷۰ برمی‌گردد. جغرافی دانان فمینیست چگونگی ارتباطات جنسیتی در فضاهای کالبدی در قلمروی عمومی و خصوصی را مورد توجه قرار می‌دهند (McDowell, 1999). «لانگ هرست»، معتقد است محور این تئوری سازماندهی مکان‌ها است به گونه‌ای که باعث ایجاد «تبعیض میان زنان و مردان» می‌شود (Langharst, 1999). «تئوری فمینیستی» ایده‌ای از تقسیم قلمروهای عمومی و خصوصی است که در آن فضاهای خصوصی زنانه و قلمروهای عمومی مردانه تصور می‌شوند. «مک دوئل» بیان می‌کند که مکان جغرافیایی به فضاهایی مردانه تبدیل شده‌اند چراکه ارتباط مفروض بین ساختارهای سیاسی، خصلت مردانه را تحمیل می‌کند (Frank, 2000:348).

بدین ترتیب محیط مصنوع به عنوان فضایی تعریف شده است که تعاریف فیزیکی آن از دیدگاه زنان و مردان، دوگانگی میان فضای خانه و کار و همچنین فضای خصوصی و عمومی است. تجسم این گونه فضا، در محیط مصنوع محصول یک ایدئولوژی مردانه است؛ به این مفهوم که سیما و منظر شهری براساس حرفه‌ای مردانه به وجود آمده و از طرف دیگر وسیله‌ای است که برای زنان اهمیت کمتری قائل است.

از دهه ۱۹۷۰ فعالیت‌هایی در جهت توجه به مسائل شهری، رویکردهای جنسیتی و عدالت آغاز شده است. هنگامی مشکلات این فضاها نمایان شد که زنان با محدودیت‌های ایجاد شده به مبارزه پرداختند و بیشتر زمان خود را صرف کارهای روزمزد در بیرون خانه کردند. تنها راه حل مسائل به وجود آمده، توسعه پارادایم جدیدی در طراحی و برنامه‌ریزی خانه، محله و شهر است. شروع طراحی فیزیکی (کالبدی)، اجتماعی و اقتصادی سکونت‌گاه‌های انسانی که فعالیت زنان شاغل و خانواده آنان را حمایت می‌کنند، موضوع قابل توجهی به نظر می‌رسد، لذا ضروری است تا نیازهای زنان برای حضور در فضاهای شهری مورد توجه قرار گیرد (همان). بدین ترتیب زنان برای اعاده حق قانونی، یعنی فضایی برای زندگی روزمره همت گمارده‌اند. آنها معتقد هستند تجربه‌های

جنسی و دیدگاه‌های آنان از جانب تصمیم‌سازان و سیاست‌مداران مورد بی‌توجهی قرار گرفته است.

شاخص‌های پاسخدهی محیط به حضور زنان

نقش زنان به عنوان یک شهروند در زندگی شهری و پتانسیل آنها برای حضور در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری سبب شده تا سازمان بین‌المللی اسکان بشر، شاخص‌های حساسیت جنسیتی را به منظور تحقق مدیریت شهری مناسب در سطوح تصمیم‌سازی محلی پیشنهاد نماید. این شاخص‌ها عبارت است از: عدالت، کارآمدی، امنیت، پایداری، شفافیت و مسئولیت‌پذیری، تمرکززدایی، مسئولیت مدنی و شهروندی.

سیاست توجه به زنان دو رویکرد اصلی را مورد توجه قرار می‌دهد. این دو رویکرد عبارت است از:

❑ افزایش مشارکت زنان (UNCHS, 2000)

❑ توجه خاص به زنان که با افزایش آگاهی جنسیتی و رقابت میان زنان و مردان در هر دو عرصه عمومی سیاسی و تخصصی برنامه‌ریزی شهری تحقق می‌یابد.

زنان و مردان از محیط‌های شهری استفاده و تجربه متفاوتی داشته و اغلب از دید هر یک ترجیحات متفاوتی نسبت به خدمات و زیرساخت‌های شهری وجود دارد که معمولاً در سیاست‌های توسعه شهری مورد توجه قرار نمی‌گیرد. لذا لازم است تا سیاست‌مداران و برنامه‌ریزان، آگاهی جنسیتی یافته و بدین ترتیب زنان و نیازمندی‌ها و علایق آنها در فرایند برنامه‌ریزی دخیل شود (Rezazadeh, 2005).

لازم است در طراحی و برنامه‌ریزی، تجزیه و تحلیل‌های مربوط به جنسیت مورد توجه قرار گیرد، چراکه این مسئله بر ایجاد عدالت، کارایی، پایداری و امنیت تأثیرگذار است. همچنین باید حساسیت جنسیتی در آموزش برنامه‌ریزی نیز لحاظ شود. مشارکت و مشمولیت مدنی از عوامل تعیین‌کننده در برنامه‌ریزی مطلوب است؛ مفهومی که نه تنها به مدیریت کارای زیرساخت‌ها و خدمات توجه دارد، بلکه موضوعاتی مانند عدالت اجتماعی و حقانیت سیاسی را نیز مورد توجه قرار می‌دهد.

مشارکت در برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت شهری، نیازمند توجه به موانع مشمولیت زنان در زندگی شهری است؛ مانند عدم اعتماد به نفس، مهارت، واگذاری مسئولیت‌های متعدد و سخت به آنها. زنان به دلیل مسئولیت‌های سنگین خانواده زمان‌های بسیار

محدودی در محیط‌های شهری مشارکت می‌کنند از همین رو قادر نخواهند بود، علایق و خواست‌های خود را بیان نمایند.

یکی از مسائل مهم، چگونگی تشویق زنان به همکاری و بهره‌برداری از زندگی شهری و نحوه ارائه خدمات به آنان به عنوان مادر و یا حامی دیگران، کارگر و استفاده‌کننده از خدمات محیط است. اگرچه زنان در اوقات فراغت خود نقش مهمی در برنامه‌ریزی و مدیریت مناسب ایفا می‌کنند اما توسعه شهری با حساسیت‌های جنسیتی، تنها مسئولیت زنان نیست. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی با رویکرد جنسیتی ذاتاً مورد توجه متخصصان مرد یا زن نبوده است. در مقابل توسعه برنامه‌ریزی رقابتی جنسیتی به عنوان بخشی از ملاحظات متخصصان شهری ضروری است.

تمرکززدایی به بهبود مشمولیت مدنی و سیاست‌گذاری‌های مناسب و حساس جنسیتی منجر خواهد شد. از آنجاکه زنان همچنان در سطوح حکمروایی و تصمیم‌سازی به حاشیه رانده می‌شوند، در سطوح محلی بیشتر از سطوح ملی و ایالتی نماینده می‌شوند. اگر زنان به خوبی توانمند شوند، آگاهی یافته و به خود اعتماد داشته باشند، توانایی ایفای نقش مثبت را خواهند داشت.

سابقه بحث «توجه به زنان»

موضوع زنان از جوانب مختلف و با معیارهای گوناگون توسط سازمان‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. برای نمونه، سازمان بین‌المللی اسکان بشر (UNCHS, 2000) زمینه ملاحظات استراتژیکی در موضوع توجه به زنان را در مباحث زیر سازماندهی کرده است که هر یک از موارد به صورت خلاصه تعریف می‌شوند:

❑ خدمات ابتدایی

❑ حقوق انسانی

❑ ظرفیت اقتصادی

❑ حمل‌ونقل

❑ حق امنیت و جلوگیری از آزار و اذیت زنان (Rezazadeh, 2005).

حقوق زنان

از آنجا که زنان به عنوان یک شهروند حق حضور، مشارکت و لذت از زندگی مدنی در شهر را دارند، لازم است تمامی موانع حضور و مشارکت آنها در زندگی شهری محدود شود. این موضوع نه تنها شامل امنیت، حمل‌ونقل و سایر موارد فوق است، بلکه باید به لحاظ فرهنگی اهمیت پیدا کند. برنامه‌ریزی و طراحی مناسب در افزایش حضور زنان مؤثر است (همان).



توجه به طراحی فضاهای شهری و امنیت آنها موجب افزایش حضور زنان در جامعه و نقش‌پذیری آنها می‌شود. مأخذ: طیبه رحیمی، ۱۳۸۹

ظرفیت اقتصادی

داخلی، نامناسب هستند (Haydan, 1984: 221).

حمل و نقل عمومی

زنان و مردان نیازمندی‌های حمل و نقلی متفاوتی دارند. برنامه‌ریزی حمل و نقل اغلب به اولویت‌های زنان بی‌توجه است چرا که مادران و مراقبت‌کنندگان باید دیگران را همراهی نمایند. زنان بیشتر از مردان وابسته به حمل و نقل عمومی و پیاده‌روی هستند و کمتر از اتومبیل شخصی و سایر وسایط حمل و نقل استفاده می‌نمایند. شرایط مسافرت و جابه‌جایی با حمل و نقل عمومی اغلب بسیار نامناسب است. زنان در زمان‌های خلوت جابه‌جا می‌شوند و اغلب دیگران را همراهی می‌کنند؛ مانند هنگام رفت و آمد کودکان به مدارس و یا کهنسالان به بیمارستان و کلینک.

مطالعات بانک جهانی نشان داده است که حمل و نقل عمومی جنسیتی، بحرانی برای زنان در شهر به‌شمار می‌رود چراکه بر دسترسی آنها به کار، امنیت و زمان فعالیت‌های خانه تأثیرگذار است. لازم است تا برای تأمین نیازمندی‌های آنها برنامه‌هایی نظیر موارد زیر دنبال شود:

❑ بهبود دسترسی حمل و نقل

❑ تأمین خدمات متنوع (Rezazadeh, 2005)

خطر آزار زنان، مانع مشارکت آنها در جامعه است. حمل و نقل متنوع، نورپردازی مناسب خیابان‌ها و سایر استراتژی‌های شهرسازی و طراحی شهری، حداقل زنان را در برابر آزار در قلمرو عمومی محافظت می‌کند.

از آنجا که کار خانه، الگوی معمولی و رایج در میان زنان است، ظرفیت اقتصادی زنان در محیط‌های شهری در ارتباط با خدمات ابتدایی مفهوم می‌یابد. زنان اغلب در خانه یا در نزدیکی خانه کار می‌کنند. تأمین خدمات و ظرفیت اقتصادی مناسب زنان بسیار مهم است. برای مثال پیشرفت قابل توجهی در افزایش مشارکت زنان در عرصه‌های سیاسی همانند کار امکان‌پذیر خواهد شد. این مهم از طریق حمایت والدین و تجهیزات موردنیاز برای مراقبت از کودکان به‌دست می‌آید.

اجبار اقتصادی و فرهنگی بر تفاوت ظرفیت اقتصادی در خور مردان و زنان تأثیرگذار است. بسیاری از زنان به دنبال کارهای پرداختی نمی‌روند و نیز موانعی برای جستجوی کار وجود دارد و بسیاری از مراکز، کارمندان زن استخدام نمی‌کنند. این موضوع نبود رویکرد مناسب و قوانین حمایتی زنان در پیدا کردن شغل و استقلال اقتصادی را در پی دارد (همان).

آزار زنان

آزارهای شهری علیه زنان در فرهنگ‌های متفاوت کم‌وبیش مشهود است. این آزارها هم در عرصه‌های عمومی و هم در قلمروهای خانگی مشاهد می‌شود. براساس نظر «کولین مک کارته»، هر سی ثانیه یک زن در امریکا مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد. بیشتر این آزارها در آشنیزخانه اتفاق می‌افتد. ارتباط میان جدایی خانوارها و ضرب و شتم و یا میان کار سخت بدون مزد در خانه و ضرب و شتم نشان می‌دهد که خانه‌ها و خانوارهای امریکایی به دلیل آزارهای

نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت و ضرورت ایجاد فضاهای مطلوب که تأثیر عمیقی بر حیات شهری و زندگی شهروندان دارد، برنامه‌ریزان و طراحان شهری باید در خلق فضاهای مناسب که امکان بروز و حضور تمام گروه‌ها و ایجاد شهر سالم را به‌وجود می‌آورد، بکوشند. زنان به عنوان نیمی از جمعیت جهان، باید از حق حضور در فضا بهره‌مند شوند. اما حضور زنان در فضاهای شهری با عوامل متعددی محدود می‌شود، این موانع مشتمل بر مسائل کالبدی فضا، شرایط فرهنگی، اجتماعی و ... است. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد، که سابقه بی‌عدالتی و تبعیض علیه زنان به پیش از دهه ۷۰ در قرن بیستم برمی‌گردد. زنان به دلیل مسئولیت‌های سنگین خانوار، زمان بسیار محدودی برای مشارکت در محیط‌های شهری داشته و قادر نیستند علایق و خواست خود را بیان کنند. در میان تبعیض‌های اعمال شده بر زنان، آنها از حق حضور در فضاهای شهری نیز بی‌بهره بودند به‌نحوی که حتی رویکرد عدم مشمولیت زنان مطرح بود. همچنین در برنامه‌ریزی فضاهای شهری نیازهای مردان مورد توجه بود که این امر منجر به ایجاد فضاهای مردانه شد. درک اینکه چگونه زنان و مردان از زندگی شهری نفع برده و در آن مشارکت و همکاری می‌کنند، از مسائلی مهم و قابل توجه است. توسعه شهری با حساسیت‌های جنسیتی، تنها مسئولیت زنان برنامه‌ریز نیست، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی با رویکرد جنسیتی ذاتاً مورد توجه متخصصان مرد یا زن نبوده است. برخلاف آن، توسعه برنامه‌ریزی رقابتی جنسیتی به‌عنوان بخشی از ملاحظات متخصصان شهری ضروری است. اگرچه زنان همچنان در سطوح مختلف به حاشیه رانده شده‌اند، اما اگر به خوبی توانمند شوند، آگاهی یافته و به خود اعتماد داشته باشند، توانایی ایفای نقش مثبت را خواهند داشت.

پی‌نوشت

1 Collean MacCareth

منابع

- رضا زاده، راضیه و محمدی، مریم (۱۳۸۷) *طراحی فضاهای محله‌ای با چارچوب اصول اخلاقی مراقبتی و رویکرد عدالت جنسیتی*، مجله دانشگاه هنر، جلد دوم. رضا زاده، راضیه و محمدی، مریم (۱۳۸۸) *بررسی عوامل محدودکننده زنان در فضاهای شهری*، مجله هنرهای زیبا، شماره ۳۶.
- Franck, K. (2002) 'Women and Environment' in Bechtel, R. & Churchman, A. (eds.) Handbook of Environmental Psychology, John Wiley & sons, New York.
 - Garcia _ Ramon, Maria D; Ortiza, A; Parts, M (2004) 'Urban Planning, gender and the Use of Public Spaces in Peripheral Neighborhood of Barcelona', Cities, Vol.21, No.3, pp. 215-223.
 - Gehl, J. (1987) 'Life between Buildings', Van Nostrand Reinhold.
 - Hayden, D (2003) 'What Would a Non-sexist City be like? Speculations on Housing, Urban Design, and Human Work.' In *Designing Cities, Critical Readings in Urban Design*. Alexander R. Cuthbert. Blackwell Publishers Ltd, USA.
 - Hxley, M. (2002) 'Govern mentality, Gender, Planning' in 'Planning Future', Philip Allmendinger & Mark Tewdwr-Jones, Rutledge, London.
 - Pasaogullari, N. & Doratli, N. (2004) 'Measuring Accessibility and Utilization of Public Spaces in Famagusta', Cities, Vol. 21, No.3, pp. 225-232.
 - Rezazadeh, Razieh (2005) *The role of women in good governance*, metropolis Conference, Mashhad, Iran.
 - UNCHS (2000) 'Women in Urban Governance', Nairobi: United Nations Centre for Human Settlements (Habitat).